

بررسی تأثیر داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد

اخلاقی دانش‌آموزان دختر پایه ششم دبستان در شهرستان شهرباک

فریبا حسین محمدی*

علی ستاری**

هدی السادات محسنی سهی***

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی میزان تأثیر داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان بوده است. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش شبه آزمایشی بوده و در انجام آن از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با دو گروه گواه و آزمایش استفاده شد. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه ششم دبستان شهرستان شهرباک بوده کهبا استفاده از نمونه‌گیری در دسترس در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود. روایی پرسش‌نامه با استفاده از روش دلفی به دست آمد. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ حاصل شد که بیانگر پایایی قابل قبول (بیش از ۰/۸) بود. مؤلفه‌های رشد اخلاقی عبارت بودند از: حق‌مداری، پذیرش مسئولیت، کمک به دیگران، راستگویی، وفای به عهد و بخشش اشتباهات دیگران. داده‌های حاصل با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی در محیط نرم‌افزار spss تحلیل شدند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، در سطح آمار توصیفی از فراوانی درصدی تراکمی، شاخص مرکزی و پراکندگی و در سطح آمار استنباطی از آزمون t مستقل و آزمون مقایسه میانگین t مستقل و تک متغیره استفاده شد. با استفاده از این آزمون‌ها رتبه‌بندی میانگین‌ها به تفکیک گویه‌های هر یک از مؤلفه‌های اخلاقی صورت گرفت. نتایج نشان داد که استفاده از داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام در برنامه فلسفه برای کودکان و با بهره‌گیری از حلقه موسوم به اجتماع پژوهشی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشته است. پیشنهاد پژوهشگر استفاده از داستان‌های بومی و برگرفته از فرهنگ اسلامی همراه با شخصیت‌های الگو برای تربیت اخلاقی کودکان است.

واژگان کلیدی: سیره حضرت فاطمه علیها السلام، داستان فکری، رشد اخلاقی، فلسفه برای کودکان، اجتماع پژوهشی.

* دانش‌آموخته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
h.mohamadi5313@yahoo.com

** استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
alisattari@alzahra.ac.ir

*** استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
sadatmohseni@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

برنامه فلسفه برای کودکان در حال گسترش در نظام‌های آموزشی جهان است و در ایران نیز به کار گرفته شده است. این برنامه خواص انکارناپذیری در حوزه رشد مهارت‌های شناختی، اجتماعی و اخلاقی کودکان دارد؛ اما برنامه با توجه به شرایط فرهنگی و اعتقادی کشور ما دارای کاستی‌ها و نقاط ضعفی نیز هست (ستاری، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۷۰). نتایج پژوهشی نشان از این است که داستان‌های فکری فلسفه برای کودکان با مبانی فرهنگی جامعه ایران سازگاری ندارد (نظام اسلامی، ۱۳۹۳). همچنین برنامه در مبانی فلسفی خود با مبانی فلسفی تربیت اسلامی سازگار نیست (ستاری، ۱۳۹۳، ص ۸۷-۱۰۴).

از طرفی ضعف جدی‌تر این برنامه تأکید بر استفاده انحصاری از محتوای آموزشی در قالب داستان‌های فکری تولید شده به وسیله جامعه تولید داستان‌ها یعنی آمریکاست. جاسپرسن^۱ بر این اعتقاد است که داستان‌های فلسفی برنامه لیمن (پایه‌گذار برنامه فلسفه برای کودکان) متناسب با فرهنگ جامعه آمریکایی تدوین شده‌اند؛ از این رو به‌کارگیری تقلیدی آنها در دیگر فرهنگ‌ها با مخاطراتی همراه است و چه بسا می‌تواند موجب عقیم ماندن شیوه‌های تفکر کودکان در دیگر فرهنگ‌ها شود.

بر اساس دیدگاه جاسپرسن، آموزش فلسفه به کودکان در هر کشور و جامعه‌ای باید متناسب با فرهنگ و تاریخ فلسفه آن جامعه صورت گیرد (به نقل از باقری و یاری دهنوی، ۱۳۸۸). معمولاً داستان‌ها در هر محیط فرهنگی که تولید می‌شوند رنگ و بوی همان محیط و فرهنگ را دارند. در ایران نظام آموزش و پرورش متأثر از فرهنگ اسلامی بوده و تأکید بر این است که فعالیت‌ها و برنامه‌ها در تطبیق با آموزه‌های اسلامی به‌عنوان دین پذیرفته شده اغلب مردم صورت گیرد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). این در حالی است که داستان‌های موجود در برنامه فلسفه برای کودکان اغلب در قالب ترجمه داستان‌های تولید شده در فرهنگ‌های دیگر آماده‌سازی شده و به کار گرفته می‌شود. بدین‌سان داستان‌های این برنامه غیربومی بوده و عناصر محتوایی آنها ریشه در فرهنگ و باورهای جامعه تولید داستان دارد. لذا نیاز به بومی‌سازی و استقلال در محتوای داستان‌های برنامه فلسفه برای کودکان در ایران احساس می‌شود (ستاری، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۷۰).

تجارب نشان می‌دهد که اقتباس مستقیم برنامه‌ها و رویکردهای آموزش و پرورش از خارج می‌تواند مشکلاتی را در حوزه‌های فکری، فلسفی، فرهنگی و اجرایی در نظام تربیتی کشورهای

1. jaspersen

مقصد در پی داشته باشد. این اتفاق بیشتر در حوزه‌های هویتی اعم از هویت ملی، هویت مذهبی و هویت فرهنگی رخ می‌دهد (کارنوی، ۱۳۸۵، ص ۹۱-۹۸)؛ از این رو ضروری است تا با توجه به اهمیت نقش تربیتی داستان‌ها و تأثیرات آنها بر هویت‌های یاد شده تأمل بیشتری صورت گیرد. مسئله دیگر در ارتباط با کودکان، ضعف نگرش‌های اخلاقی و ضرورت رسیدگی و پرداختن به این ضعف است. نتایج پژوهش‌ها نشان از ضعف دانش‌آموزان در کسب نگرش‌های اخلاقی عمیق است (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳-۱۴۳). در این راستا صف‌آرا، طریقی احسن و اخوی (۱۳۹۷) بر ضرورت نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان تأکید می‌کنند که در میان آنها روش بهره‌گیری از داستان به‌عنوان یکی از روش‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی توصیه شده است.

از طرفی دیگر پژوهشگران به وجود رابطه مثبت میان آموزه‌های دینی و رشد اخلاقی کودکان اشاره می‌کنند. در این راستا شعاع‌کاظمی و همکاران (۱۳۹۴) رابطه مثبت و معناداری را میان آموزه‌های دینی والدین و رشد اخلاقی کودکان نشان دادند؛ از این رو ضرورت رسیدگی به ضعف اخلاقی کودکان از دوران کودکی و تربیت اخلاقی آنان به‌منظور رشد اخلاقی کودکان وجود دارد. در ارتباط با دو مسئله‌ای که به آنها اشاره شد، بهره‌گیری از داستان‌ها به‌ویژه داستان‌های بومی به‌منظور رشد اخلاقی کودکان اهمیت دارد. نتایج پژوهش‌ها نشانگر تأثیر داستان بر افزایش رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان است. زندی‌پور و ژیان باقری (۱۳۸۵) در پژوهشی با نام «نقش داستان درمانی به روش مشاوره گروهی بر رشد استدلال اخلاقی دختران نوجوان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران» نشان دادند که داستان‌ها می‌توانند بر رشد استدلال اخلاقی دختران نوجوان تأثیر بگذارند. در این راستا معرفی سبک زندگی و سیره چهره‌های شاخص دین اسلام در قالب داستان‌های فکری می‌تواند محتوای مناسبی برای غنا بخشیدن و تقویت مهارت‌های فکری و اخلاقی کودکان باشد. بدیهی است اندازه‌گیری میزان تأثیر این داستان‌ها بر ابعاد مختلف رشد کودکان همچون رشد اخلاقی، رشد شناختی و رشد اجتماعی قبل از توصیه به استفاده از این داستان‌ها وجود دارد.

در پی مسئله و ضرورت یاد شده، حضرت فاطمه علیها السلام به‌عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر علی علیه السلام و مادر حسنین علیهما السلام و نیز از آن‌رو که در عقاید اسلامی به‌عنوان الگوی زنان و سرور زنان معرفی شده، به‌عنوان چهره شاخص اسلامی در نظر گرفته شد. شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام در احادیث اهل سنت همچون حدیث «سرور زنان» و حدیث «بضعه»، شخصیتی پرهیزکار و الگوی زنان معرفی شده است (معزی، ۱۹۹۹).

همچنین در منابع حدیث اهل سنت شخصیت او با حضرت مریم علیها السلام مقایسه و حتی برتر از او («سرور زنان بهشت») معرفی شده است (کلیم، ۲۰۱۶). در نزد شیعه حضرت فاطمه علیها السلام مرجع ارتباطی نبوت، امامت و ولایت شمرده شده است (صیامیان گرجی و سمیعی، ۱۳۹۵، ص ۷-۳۴). هانری کربن، فیلسوفی که مسیحی بوده و بعداً مسلمان و شیعه شده، بر نقش فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان کهن‌الگوی همیشگی زنانگی و مظهر تجلیات خداوند و عنصر زنانه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تأکید دارد (کربن، ۱۳۹۵، ص ۵۱ و ۲۰۹).

در باب مؤلفه‌های اخلاقی که حضرت فاطمه علیها السلام به آنها آراسته بوده و در سیره نظری و عملی خود به آنها عمل نموده می‌توان به مؤلفه‌های حق‌مداری،^۱ پذیرش مسئولیت، وفای به عهد، بخشش اشتباهات دیگران و راستگویی اشاره کرد. در این پژوهش، مؤلفه‌های اخلاقی یادشده از میان سایر سجایای اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام برگزیده و در فرضیه‌های پژوهش به کار گرفته شد. در تبیین مؤلفه‌های یادشده در سیره نظری و عملی حضرت فاطمه علیها السلام شواهد و نشانه‌های تاریخی محکمی وجود دارد. مؤلفه حق‌مداری ایشان در دفاع از علی علیه السلام به منظور جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و در خصوص دفاع از ملک فدک معروف است که در پی آن احتجاج‌های فراوانی را به عمل آورده است.^۲ مؤلفه مسئولیت‌پذیری او از صفت «مادر پدر بودن»^۳ که در گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله آمده آشکار می‌شود؛ زیرا او افزون بر نقش دختری بعد از فوت مادرش خدیجه علیها السلام در رسیدگی به امور پیامبر صلی الله علیه و آله نقش خدیجه علیها السلام را در حساس‌ترین دوره زندگی پدر یعنی اوایل رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به عهده داشته است (شهیدی، ۱۳۹۴، ص ۴۰). مؤلفه وفای به عهد در نزد ایشان هم در سیره نظری و هم در سیره عملی ایشان نمایان می‌شود. در سیره نظری در عهدی که با خداوند برای انجام امور مربوط به تقوا و پاکدامنی بسته به نیکی عمل نموده و از همین رو است که به «سرور زنان» مشهور شده است.

همچنین وجود اسامی دیگری برای او همچون «مطهره» (زن پاک)، «صدیقه» (زن بسیار راستگو)، «طاهره» (زن پاکدامن) و «زکّیه» (زن پرهیزکار) و نیز لقب‌هایی چون «عفیفه» و «زاهده» نشان از تقوا و پاکدامنی او در سیره نظری و عملی دارد؛ از این‌رو در منابع گوناگون شیعه و نیز در منابع اهل سنت از او به‌عنوان «الگوی تقوا» نام برده شده است (معزی، ۱۹۹۹).

۱. حق‌مداری یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن باور داریم و آنچه که به آن عمل می‌کنیم. به‌دیگرسخن، به آنچه که می‌دانیم با اصول و عقاید سازگار است عمل کنیم.

۲. ر.ک: شهیدی، زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

۳. «ام ابیها» صفتی بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام داده است. ر.ک: شهیدی، زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۴۰.

با توجه به آنچه بیان شد، در این پژوهش ابتدا پنج شاخص: ۱. معروفیت و مشهوریت چهره؛ ۲. الگو بودن شخصیت؛ ۳. محتوای تفکربرانگیز داستان‌های برگرفته از سیره؛ ۴. تطابق داستان‌ها با شرایط سنی دانش‌آموزان (بعد روان‌شناختی)؛ و ۵. زبان آشکار و قابل فهم داستان (ساده و روان بودن) در نظر گرفته شد. آنگاه شاخص‌های یادشده به وسیله شش نفر از متخصصان حوزه تربیت اسلامی بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. بدین‌سان ایشان به‌عنوان شخصیتی مشهور، الگو و نمونه و دارای سیره نظری و عملی تفکربرانگیز شناسایی شد.

در مرحله بعد داستان‌هایی از روی سیره نظری و عملی او در زندگی بازنویسی شد. داستان‌ها دارای مأخذهای معتبر تاریخی بوده‌اند. داستان اول که پژوهشگر برای کودکان با عنوان فرضی «بانوی راستگو و درستکار» به کار برده از علامه مجلسی (۱۳۸۶) شامل عناصر محتوایی مسئولیت‌پذیری و بخشش اشتباهات دیگران است. داستان دوم با عنوان فرضی «همراه پدر» از جعفر شهیدی (۱۳۹۴) پژوهشگر تاریخ اسلام نقل شده است. این داستان شامل عناصر محتوایی وفای به عهد، حق‌مداری و راستگویی است.

داستان سوم با عنوان فرضی «پشتیبان حق» از علامه مجلسی (۱۳۸۶) نقل شده و شامل عناصر محتوایی حق‌مداری و کمک به دیگران است. بدین‌سان ضمن رعایت عنصر تفکربرانگیزی محتوای داستان‌های اخلاقی، ویژگی مشهوریت و الگو بودن شخصیت داستان یعنی حضرت فاطمه علیها السلام نیز در نظر گرفته شد. در آخر داستان‌ها در قالب برنامه فلسفه برای کودکان و با بهره‌گیری از روش اجتماع پژوهشی برای کودکان به کار گرفته شد.

با نظر به مسائلی که در ارتباط با به‌کارگیری داستان‌های غیربومی یاد شد، یعنی خلأ داستان‌های فکری برگرفته از فرهنگ اسلامی و شخصیت‌های دینی و ضعف نگرش‌های اخلاقی کودکان و نوجوانان و ضرورت رسیدگی و پرداختن به این ضعف، هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان تأثیر داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان شهر بابک بوده است. همچنین، هدف فرعی، پر کردن خلأ داستان‌های برگرفته از چارچوب فرهنگ اسلامی و سیره و سبک زندگی معصومین علیهم‌السلام به زبان کودکان بوده است. با توجه به اهداف یادشده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه کلی پژوهش

داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.

فرضیه‌های جزئی پژوهش

- داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه حق‌مداری تأثیر مثبت دارد؛
 - داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه پذیرش مسئولیت تأثیر مثبت دارد؛
 - داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه کمک به دیگران تأثیر مثبت دارد؛
 - داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه راستگویی تأثیر مثبت دارد؛
 - داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه وفای به عهد تأثیر مثبت دارد؛
 - داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه بخشش اشتباهات دیگران تأثیر مثبت دارد؛
- دست‌آورد این پژوهش افزون بر رفع کمبود داستان‌های فکری برگرفته از فرهنگ اسلامی در برنامه فلسفه برای کودکان، میزان تأثیر داستان‌های برگرفته از سیره چهره‌های شاخص دینی را در برنامه‌های تربیتی نشان خواهد داد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌ها

برنامه فلسفه برای کودکان با هدف آموزش تفکر به کودکان به وسیله متیو لیپمن^۱ در مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان (IAPC)^۲ وابسته به دانشگاه مونت‌کلیر^۳ طراحی و تولید شده است. محتوای برنامه عبارت است از داستان‌های فکری که سؤال‌آفرین بوده و کودکان را به فکر کردن وادار می‌کند. این داستان‌ها برای کودکان از ۳ تا بالای ۱۶ سال نوشته شده و به کار می‌رود (فیشر، ۱۹۹۸، ص ۲۸).

روش برنامه گفت‌وگوی فلسفی در قالب سؤال و جواب‌های کودکان است که لیپمن به تأسی از سقراط در برنامه‌اش به کار برده است (هاینز، ۱۳۷۰، ص ۲۴۱-۲۸۰). لیپمن هدف برنامه آموزش فلسفه برای کودکان را بار آوردن کودکانی با تفکر مستقل می‌داند (لیپمن، ۱۹۸۰، ص ۵۳). تربیت اخلاقی در این برنامه یکی از وجوه مهم است و استدلال اخلاقی در زمینه‌ای فلسفی تمرین

1. Mathew Lipman

2. Institute for the Advancement of Philosophy for Children

3. Montclair

می‌شود (فیشر، ۱۹۹۸، ص ۲۸). به‌طورکلی این برنامه در سه زمینه رشد اخلاقی، رشد اجتماعی و رشد شناختی به کودکان کمک می‌کند (ستاری، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۷۰).

در ارتباط با تأثیرات این برنامه در رشد اخلاقی کودکان در ایران نتایج پژوهش‌ها نشان‌دهنده رشد کودکان در مهارت‌های اخلاقی است. پژوهش بدری گرگری و واحدی (۱۳۹۴) با هدف تعیین تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر در شهر مهربان (استان آذربایجان غربی) و با روش نیمه تجربی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از ابزار داستان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر تأثیر داشته و موجب افزایش هوش اخلاقی آنان شده است.

باوجوداین، در این پژوهش نیز محتوای مورد استفاده بومی نبوده و معلوم نیست که تأثیر یادشده در مسیر فرهنگ مورد پذیرش زیست بوم ایران بوده است یا خیر. در پژوهش جلیلیان، جلیلیان و عظیم‌پور (۱۳۹۵) تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و افزایش قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهرستان اسلام‌آباد غرب بررسی شد. پژوهش به کمک طرح نیمه‌تجربی پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد. نتایج، تفاوت معناداری را در رشد شناختی و اخلاقی دانش‌آموزان نشان داد.

همچون پژوهش‌های قبلی در این پژوهش نیز بر استفاده از محتوای بومی تأکید نشده و معلوم نیست که تأثیرات در راستای فرهنگ بومی در زیست‌بوم ایران بوده است یا خیر؟ در پژوهش دیگر، نویدیان و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را با هدف بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان مریوان با استفاده روش نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل انجام دادند. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر تأثیر مثبت دارد.

در میان پژوهش‌های خارج از ایران، سانجانا و وایتبرید^۱ (۲۰۰۴) پژوهشی با عنوان «فلسفه برای کودکان و توسعه اخلاقی در جامعه هند انجام دادند. تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان در رشد مهارت‌های اجتماعی، شناختی و اخلاقی دانش‌آموزان در هند بررسی شد. پژوهش با استفاده از روش نیمه‌تجربی طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون به سنجش تفکر کودکان از خاطرات تفکر آنها با زمینه قرار دادن داستان اخلاقی «نوز» انجام شد.

نتایج بیانگر عملکرد بهتر دانش‌آموزان در استدلال اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان بود. با

1. Sanjana & Whitebread

روش و نتایجی مشابه، می‌توان به نتایج پژوهش دانیل^۱ (۲۰۰۰)، پریچارد^۲ (۲۰۰۰) و گریگوری^۳ (۲۰۰۹) اشاره کرد که در آن تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر روی مهارت‌های عاطفی و اخلاقی کودکان نشان داده شده است.

در مطالعاتی که در کشورهای اسلامی صورت گرفته، نتایج مشابهی ملاحظه می‌شود. در این راستا ذوالکلیلی و هاشم (۲۰۲۰) با انجام پژوهشی در کشور مالزی با این فرضیه که برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند به تقویت آموزه‌های اخلاق در کلاس آموزش اخلاق کمک کند، با به کارگیری روش نیمه‌تجربی و طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از گروه کنترل نشان دادند که برنامه فلسفه برای کودکان از راه ایجاد شرایط برای گفت‌وگو و با تکیه بر تفکر انتقادی می‌تواند تأثیرات مطلوبی در اهداف کلاس آموزش اخلاق از خود به جای بگذارد.

همچنین، در کشور ترکیه، بررسی‌های کاگلا^۴ (۲۰۱۱) به شیوه مقایسه نتایج مطالعه‌شده در جهان با آنچه که او در ترکیه ملاحظه می‌کند، نشان می‌دهد که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان کمک می‌کند که آنها به گونه‌ای متفاوت فکر کنند؛ به طوری که افرادی با تفکر سالم بوده و به نظرات دیگران احترام بگذارند و قادر به بیان حقوق خود باشند؛ ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند؛ به اشتباهات خود توجه و آنها را در زندگی روزمره خود تصحیح کنند و نظرات جدید خود را به راحتی مطرح کنند. بدین‌سان یافته‌های پژوهش‌های خارج از ایران هم در کشورهای اسلامی و هم کشورهای غیراسلامی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در حوزه اخلاق را نشان می‌دهد؛ اما اینکه چه تأثیراتی را در حوزه فرهنگ بومی و اعتقادات خاص آن کشورها از خود به جای گذاشته در پژوهش‌های یادشده مشخص نیست.

آنچه که از بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در ایران و جهان می‌توان دریافت این است که در هر دو دسته از پژوهش‌ها تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در رشد اخلاق کودکان از طریق داستان‌های به کار رفته و فضای ایجاد شده برای گفت‌وگو و سؤال و جواب کودکان تأیید می‌شود؛ اما هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده در بردارنده دغدغه‌های فرهنگی و بومی نبوده‌اند. بنابراین، تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده در ایران و جهان در این است که داستان‌های برگرفته از سیره و سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام حاوی توجه به ملاک‌ها و معیارهای فرهنگی و بومی است و انتظار می‌رود تغییراتی در رشد اخلاقی کودکان در اثر شنیدن داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام و گفت‌وگو پیرامون آن در قالب پرسش و پاسخ به سبک برنامه فلسفه برای کودکان رخ

1. Daniel
2. Pritchard
3. Gregory
4. Cagla

دهد. بنابراین، منظور از رشد اخلاقی در این پژوهش میزان تغییری است که با توجه به پرسش‌نامه محقق ساخته حاصل می‌شود. همچنین، منظور از سیره در این پژوهش عبارت است از سبک زندگی که در اینجا سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام مورد نظر است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها، کمی و از نظر روش پژوهش و شیوه گردآوری اطلاعات، میدانی و شبه‌آزمایشی است که با استفاده از دو گروه آزمایش و گواه و با به‌کارگیری طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانش‌آموزان دختر پایه ششم مقطع دبستان شهرستان شهر بابک واقع در استان کرمان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ برابر با ۵۹۶ نفر بوده است. براساس این، تعداد نمونه این پژوهش، مطابق با جدول مورگان ۲۲۴ نفر از دانش‌آموزان مقطع دبستان پایه ششم سال تحصیلی ۹۶-۹۷ شهرستان شهر بابک به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند که هر گروه شامل ۱۱۲ نفر بودند.

پژوهش در سه مرحله انجام شد. در مرحله نخست پرسش‌نامه به‌عنوان پیش‌آزمون به هر دو گروه آزمایش و گواه ارائه و پاسخ‌ها جمع‌آوری شد. در مرحله بعد توسط پژوهشگر برای گروه آزمایش داستان‌ها تقریر شد و به‌طور تقریبی بیش از ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای گفت‌وگو و پرسش و پاسخ در میان اعضای گروه آزمایش، پیرامون مفاهیم و وقایع داستان با استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان و روش اجتماع پژوهشی صورت گرفت؛ اما به گروه گواه فرصت گفت‌وگو و پرسش و پاسخ داده نشد. در مرحله سوم پس از پایان جلسات گفت‌وگو و پرسش و پاسخ، مجدداً پرسش‌نامه به‌عنوان پس‌آزمون در گروه آزمایش اجرا و پاسخ‌ها جمع‌آوری شد. بسته آموزشی مورد استفاده در قالب حلقه‌های کندوکاو و از بعد محتوایی داستان‌های ساده‌سازی‌شده سیره حضرت فاطمه علیها السلام بود که مرتبط با مفاهیم و مؤلفه‌های مورد نظر پژوهش بودند.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت شامل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم بوده است که به این منظور ابتدا پرسش‌نامه‌های استاندارد موجود در این حوزه، بررسی و سپس برای بومی‌سازی آن اقدام شد. در همین راستا براساس مؤلفه‌های قابل استخراج از پرسش‌نامه‌های موجود و همچنین مؤلفه‌های مستخرج از ادبیات و مبانی نظری پژوهش توسط پژوهشگر، پرسش‌نامه‌ای متناسب با اهداف و محتوای پژوهش با ۷ مؤلفه و ۳۸ گویه تدوین شد که مورد تأیید استادان راهنما و مشاور قرار گرفت.

در ادامه جهت تعیین روایی^۱ محتوایی پرسش‌نامه، با استفاده از روش دلفی^۲ و در سه مرحله، با همراهی چهار نفر از اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم تربیتی و دو تن از دانشجویان مقطع دکتری در این حوزه بررسی، جرح و تعدیل و تأیید شد. پایایی^۳ پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ^۴ به دست آمد که بیانگر پایایی قابل قبول (بیش از ۰/۸) بود. در این پرسش‌نامه، گویه‌های ۱ و ۳ و ۸ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۴ و ۳۶ برای مؤلفه عمل کردن مبتنی بر اصول، گویه‌های ۱۰ و ۱۲ و ۲۳ و ۲۷ برای مؤلفه اقرار به اشتباهات و شکست‌ها، و گویه‌های ۵ و ۱۱ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۲ و ۳۱ برای مؤلفه قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، گویه‌های ۲ و ۷ و ۱۵ و ۲۱ و ۳۳ برای مؤلفه راستگویی، گویه‌های ۹ و ۱۷ و ۳۰ برای مؤلفه مسئولیت‌پذیری، گویه‌های ۴ و ۲۵ و ۲۸ و ۳۲ و ۳۵ و ۳۷ برای مؤلفه وفای به عهد و گویه‌های ۶ و ۱۳ و ۲۰ و ۲۴ و ۳۸ برای مؤلفه بخشش اشتباهات دیگران در نظر گرفته شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، در سطح آمار توصیفی از فراوانی درصدی تراکمی، شاخص مرکزی و پراکندگی و در سطح آمار استنباطی از آزمون t مستقل و آزمون مقایسه میانگین t مستقل و t تک‌متغیره استفاده شد. بدین منظور از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و با استفاده از این آزمون‌ها رتبه‌بندی میانگین‌ها به تفکیک گویه‌های هر یک از مؤلفه‌های اخلاقی صورت گرفت.

۴. یافته‌ها

۴-۱. یافته‌های مربوط به گروه آزمایش؛ پیش‌آزمون

در آغاز پژوهش ابتدا سؤالات پرسش‌نامه مربوط به مؤلفه‌های اخلاقی که قبلاً از سیره حضرت فاطمه علیها السلام استخراج و تدوین شده بود، بدون استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان و بهره‌گیری از روش اجتماع پژوهشی در میان هر دو گروه دانش‌آموزان گروه آزمایش و گواه توزیع و پاسخ‌ها ثبت شد. مؤلفه‌ها عبارت بودند از: حق‌مداری، پذیرفتن مسئولیت، کمک به دیگران، راستگویی، مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد و بخشش اشتباهات دیگران. یافته‌های حاصل از پیش‌آزمون گروه آزمایش با در نظر گرفتن فرضیه‌های مربوط، پاسخ‌های مورد انتظار و پاسخ‌های پاسخگویان به شرح جدول ۱ است.

فرضیه ۱: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «حق‌مداری» تأثیر مثبت دارد؛

1. validity

2. Delphi Method

3. Reliability

4. Cronbach's alpha

پاسخ مورد انتظار در خصوص مؤلفه «حق‌مداری»: در ارتباط با آزمون فرضیه ۱، نتایج پیش‌آزمون به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار مؤلفه «حق‌مداری» در میان گروه مورد آزمایش (پیش‌آزمون)

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
حق‌مداری	۲۷	۲۳/۱۶	۶/۱۸	-۶/۵۷	۰/۰۰

با توجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه حق‌مداری ۲۷ در نظر گرفته شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مؤلفه «حق‌مداری» در میان گروه مورد آزمایش ۲۳/۱۶ است که این مقدار از حد متوسط (۲۷) کمتر است؛ از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط پایین‌تر (نامطلوب) است. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این به آن معناست که دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت به مؤلفه «حق‌مداری» از حد متوسط پایین‌تر است.

فرضیه ۲: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «پذیرفتن مسئولیت» تأثیر مثبت دارد.

پاسخ مورد انتظار در ارتباط با مؤلفه «پذیرفتن مسئولیت»:

«پذیرش مسئولیتی که فرد انجام داده است، نشانه آن است که قبول دارد که در انجام کار خود مسئول بوده و موفقیت و قصور او متوجه خودش خواهد بود. پذیرش چنین امری گرچه دشوار هم باشد، نمونه‌ای از اخلاق مسئولیت‌پذیری فرد را نشان می‌دهد».

در ارتباط با فرضیه ۲، نتایج پیش‌آزمون به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار «پذیرفتن مسئولیت» در میان گروه مورد آزمایش (پیش‌آزمون)

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
پذیرفتن مسئولیت	۱۲	۱۰/۳۹	۳/۰۰	-۵/۶۵	۰/۰۰

با توجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه پذیرفتن مسئولیت، ۱۲ در نظر گرفته

شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مؤلفه «پذیرفتن مسئولیت» در میان گروه مورد آزمایش ۱۰/۳۹ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۲) کمتر بوده است؛ از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط پایین‌تر (نامطلوب) است. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این به آن معناست که سطح دانش اعضای گروه آزمایش در ارتباط با مؤلفه «پذیرفتن مسئولیت» از حد متوسط پایین‌تر است.

فرضیه ۳: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «کمک به دیگران» تأثیر مثبت دارد.

پاسخ مورد انتظار در ارتباط با مؤلفه «کمک به دیگران»:

«کمک به دیگران به معنای برآوردن نیازهای آنان از راه‌های درست است؛ اعم از آنکه آن کمک مادی یا معنوی باشد. ضمن آنکه کمک صرفاً برای رضای خدا انجام شود».

در ارتباط با فرضیه ۳، نتایج پیش‌آزمون به شرح جدول ۳ است:

جدول (۳). میانگین و انحراف معیار مؤلفه «کمک به دیگران» در میان گروه مورد آزمایش (پیش‌آزمون)

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
کمک به دیگران	۱۸	۱۶/۳۹	۴/۷۳	-۳/۵۹	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه کمک به دیگران، ۲۷ در نظر گرفته شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۳ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مؤلفه «کمک به دیگران» در میان گروه مورد آزمایش ۱۶/۳۹ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۸) کمتر بوده است؛ از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط پایین‌تر (نامطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) است. این به آن معناست که سطح دانش اعضای گروه آزمایش در ارتباط با مؤلفه «کمک به دیگران» کمتر از سطح متوسط و نامطلوب بوده است.

فرضیه ۴: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «راستگویی» تأثیر مثبت دارد.

پاسخ مورد انتظار در ارتباط با مؤلفه «راستگویی»:

«راستگویی در اصل به این معناست که گفتار و یا خبری که داده می‌شود، مطابق امر حادث در خارج از ذهن باشد و کسی را که خیرش مطابق با واقع و خارج باشد، «صادق» و «راستگو» می‌گویند؛ اما از آنجا که به‌طور استعاره و مجاز، اعتقاد، عزم و اراده را هم قول نامیده‌اند، در نتیجه صدق را در آنها نیز استعمال کرده، انسانی را هم که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد، راستگو می‌نامند».

در ارتباط با فرضیه ۴، نتایج پیش‌آزمون به شرح جدول ۴ است:

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار «راستگویی» در میان گروه مورد آزمایش (پیش‌آزمون)

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
راستگویی	۱۵	۱۳/۲۱	۳/۹۵	-۴/۷۷	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته‌شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه راستگویی، ۱۵ در نظر گرفته شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به «راستگویی» در میان گروه مورد آزمایش ۱۳/۲۱ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۵) کمتر است. بنابراین، می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط پایین‌تر (نامطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این به آن معناست که سطح دانش اعضای گروه آزمایش در ارتباط با مؤلفه «راستگویی» از حد متوسط پایین‌تر و نامطلوب بوده است.

فرضیه ۵: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «وفای به عهد» تأثیر مثبت دارد.

پاسخ مورد انتظار در خصوص مؤلفه «وفای به عهد»: «وفای به عهد، به معنای به‌جا آوردن و نگهداری عهد و پیمان است».

در ارتباط با فرضیه ۵، نتایج پیش‌آزمون به شرح جدول ۵ است:

جدول ۵. میانگین و انحراف معیار «وفای به عهد» در میان گروه مورد آزمایش (پیش‌آزمون)

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
وفای به عهد	۱۸	۱۶/۱۳	۴/۶۵	-۴/۲۶	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش نامه محقق ساخته با طیف پنج درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه وفای به عهد، ۱۸ در نظر گرفته شد. همان گونه که مقادیر جدول ۵ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح درباره «وفای به عهد» در میان گروه مورد آزمایش ۱۶/۱۳ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۸) کمتر است؛ از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط پایین تر (نامطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این به آن معناست که دانش اعضای گروه آزمایش در پیش‌آزمون نسبت به مؤلفه «وفای به عهد» کمتر از حد متوسط و نامطلوب است.

فرضیه ۶: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «بخشش اشتباهات دیگران» تأثیر مثبت دارد.
پاسخ مورد انتظار در خصوص مؤلفه «بخشش اشتباهات دیگران»:
«بخشش اشتباهات دیگران عبارت است از: آگاهی از عیوب و تحمل اشتباهات دیگران»
در ارتباط با فرضیه ۶ نتایج پیش‌آزمون به شرح جدول ۶ است:

جدول ۶. میانگین و انحراف «بخشش اشتباهات دیگران» در میان گروه مورد آزمایش (پیش‌آزمون)

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
بخشش اشتباهات دیگران	۱۵	۱۴/۳۰	۳/۳۸	-۲/۱۷	۰/۰۳

باتوجه به اینکه پرسش نامه محقق ساخته با طیف پنج درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه بخشش اشتباهات دیگران، ۱۵ در نظر گرفته شد. همان گونه که مقادیر جدول ۶ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح درباره «بخشش اشتباهات دیگران» در میان گروه مورد آزمایش ۱۴/۳۰ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۵) کمتر بوده است؛ از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط پایین تر (نامطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۳) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این به آن معناست که دانش اعضای گروه آزمایش در پیش‌آزمون نسبت به مؤلفه «بخشش اشتباهات دیگران» کمتر از حد متوسط و نامطلوب است.

۴-۲. یافته‌های مربوط به گروه آزمایش؛ پس‌آزمون

در مرحله بعد داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام در قالب برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت‌وگوی دانش‌آموزان در اجتماع پژوهشی و پرسش و پاسخ پیرامون مفاهیم و وقایع

داستان‌ها و با هدایت مربی به اعضای گروه آزمایش ارائه شد. در این مرحله به گروه گواه هیچ داستانی ارائه نشد و تلاشی در جهت گفت‌وگو و پرسش و پاسخ در اجتماع پژوهشی به عمل نیامد. در ادامه، فرضیات، پاسخ‌های مورد انتظار و نتایج آزمون فرضیه‌ها با توجه به مفاهیم اخلاقی موجود در داستان‌ها ارائه می‌شود:

فرضیه ۱: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه حق‌مداری تأثیر مثبت دارد.
در ارتباط با آزمون فرضیه ۱، نتایج پس‌آزمون به شرح جدول ۷ است:

جدول ۷. میانگین و انحراف معیار مؤلفه «حق‌مداری» در میان گروه مورد آزمایش

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
حق‌مداری	۲۷	۴۲/۱۸	۲/۸۶	۱۲/۳۸	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته‌شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه حق‌مداری، ۲۷ در نظر گرفته شد. در مرحله پس‌آزمون همان‌گونه که مقادیر جدول ۷ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مفهوم «حق‌مداری» در میان گروه مورد آزمایش ۴۲/۱۸ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۲۷) بالاتر بوده است؛ از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط بالاتر (مطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این بدین معناست که پس از اجرای داستان‌ها در برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت‌وگو و پرسش و پاسخ‌های به عمل آمده در اجتماع پژوهشی دانش‌آموزان گروه آزمایش در ارتباط با مفهوم «حق‌مداری» افزایش یافته و مطلوب گزارش می‌شود.

فرضیه ۲: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه «پذیرفتن مسئولیت» تأثیر مثبت دارد.

در ارتباط با آزمون فرضیه ۲، نتایج پس‌آزمون به شرح جدول ۸ است:

جدول ۸. میانگین و انحراف معیار «پذیرفتن مسئولیت» در میان گروه مورد آزمایش

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
پذیرفتن مسئولیت	۱۲	۱۸/۸۸	۱/۵۷	۸/۵۲	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش نامه محقق ساخته با طیف پنج درجه ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه پذیرفتن مسئولیت، ۱۲ در نظر گرفته شد. همان گونه که مقادیر جدول ۸ نشان می دهد، میانگین پاسخ صحیح به مفهوم «پذیرفتن مسئولیت» در میان گروه مورد آزمایش ۱۸/۸۸ می باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۲) بالاتر بوده از این رو می توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط بالاتر (مطلوب) می باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می باشد. این بدین معناست که پس از اجرای داستان ها در برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت و گو و پرسش و پاسخ های به عمل آمده در حلقه کندوکاو دانش اعضای گروه آزمایش در ارتباط با «پذیرفتن مسئولیت» افزایش یافته و مطلوب گزارش می شود.

فرضیه ۳: داستان های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش آموزان در ارتباط با مؤلفه «کمک به دیگران» می شود.

در ارتباط با آزمون فرضیه ۳، نتایج پس آزمون به شرح جدول ۹ است:

جدول ۹. میانگین و انحراف معیار «کمک به دیگران» در میان گروه مورد آزمایش

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
کمک به دیگران	۱۸	۲۸/۸۴	۰/۱۲۴	۱۰/۲۱	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش نامه محقق ساخته با طیف پنج درجه ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه کمک به دیگران، ۱۸ در نظر گرفته شد. همان گونه که مقادیر جدول ۹ نشان می دهد، میانگین پاسخ صحیح به مفهوم «کمک به دیگران» در میان گروه مورد آزمایش ۲۸/۸۴ می باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۸) بالاتر بوده از این رو می توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط بالاتر (مطلوب) می باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می باشد. این بدین معناست که پس از اجرای داستان ها در برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت و گو و پرسش و پاسخ های به عمل آمده در حلقه کندوکاو دانش اعضای گروه آزمایش در ارتباط با «کمک به دیگران» افزایش یافته و مطلوب گزارش می شود.

فرضیه ۴: داستان های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش آموزان در ارتباط با مؤلفه «راستگویی» می شود.

در ارتباط با آزمون فرضیه ۴، نتایج پس آزمون به شرح جدول ۱۰ است:

جدول ۱۰. میانگین و انحراف معیار «راستگویی» در میان گروه مورد آزمایش

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
راستگویی	۱۵	۲۳/۴۱	۲/۱۲	۱۱/۴۲	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته‌شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه راستگویی، ۱۵ در نظر گرفته شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۱۰ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مفهوم «راستگویی» در میان گروه مورد آزمایش ۲۳/۴۱ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۵) بالاتر بوده از این‌رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط بالاتر (مطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این بدین معناست که پس از اجرای داستان‌ها در برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت‌وگو و پرسش و پاسخ‌های به عمل آمده در حلقه کندوکاو دانش‌آموزان گروه آزمایش در ارتباط با «راستگویی» افزایش یافته و مطلوب گزارش می‌شود.

فرضیه ۵: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با وفای به عهد تأثیر مثبت دارد.

در ارتباط با آزمون فرضیه ۵، نتایج پس‌آزمون به شرح جدول ۱۱ است:

جدول ۱۱. میانگین و انحراف معیار «وفای به عهد» در میان گروه مورد آزمایش

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
وفای به عهد	۱۸	۲۸/۵۸	۲/۰۶	۱۲/۳۶	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته‌شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه وفای به عهد، ۱۸ در نظر گرفته شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۱۱ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مفهوم «وفای به عهد» در میان گروه مورد آزمایش ۲۸/۵۸ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۸) بالاتر بوده از این‌رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط بالاتر (مطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این بدین معناست که پس از اجرای داستان‌ها در برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت‌وگو و پرسش و پاسخ‌های به عمل آمده در حلقه کندوکاو دانش‌آموزان گروه آزمایش در ارتباط با «وفای به عهد» افزایش یافته و مطلوب گزارش می‌شود.

فرضیه ۶: داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان در ارتباط با مؤلفه بخشش اشتباهات دیگران تأثیر مثبت دارد.
در ارتباط با آزمون فرضیه ۶، نتایج پس‌آزمون به شرح جدول ۱۲ است:

جدول ۱۲. میانگین و انحراف «بخشش اشتباهات دیگران» در میان گروه مورد آزمایش

متغیر	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
بخشش اشتباهات دیگران	۱۵	۲۳/۴۳	۱/۸۵	۱۰/۰۲	۰/۰۰

باتوجه به اینکه پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است، میانگین نظری ۳ از ۵ پذیرفته‌شده و با قرار دادن در جدول تناسب، برای مؤلفه بخشش اشتباهات دیگران، ۱۵ در نظر گرفته شد. همان‌گونه که مقادیر جدول ۱۲ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ صحیح به مفهوم «بخشش اشتباهات دیگران» در میان گروه مورد آزمایش ۲۳/۴۳ می‌باشد که این مقدار از حد متوسط (۱۵) بالاتر بوده از این رو می‌توان گفت که متغیر فوق از حد متوسط بالاتر (مطلوب) می‌باشد. همچنین سطح معناداری (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) بوده و نشان از اختلاف معنادار بین وضع موجود و وضعیت مطلوب (حد متوسط) می‌باشد. این بدین معناست که پس از اجرای داستان‌های برگرفته از زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در برنامه فلسفه برای کودکان و با استفاده از گفت‌وگو و پرسش و پاسخ‌های به عمل آمده در حلقه کاندوکا دانش‌آموزان اعضای گروه آزمایش در ارتباط با «بخشش اشتباهات دیگران» افزایش یافته و مطلوب گزارش می‌شود.

۳-۴. مقایسه میانگین متغیرهای مورد مطالعه بین دو گروه آزمایش و گروه گواه در پیش‌آزمون برای بررسی مقایسه یادشده، از آزمون t مستقل (برای دو گروه مستقل) استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۳ آورده شده است.

جدول برای پاسخ به فرضیات تحقیق تنظیم شده است. برای ترسیم وضعیت موجود هر مؤلفه از آزمون t تک نمونه‌ای و برای بررسی تفاوت بین دو گروه از آزمون t مستقل استفاده شده است.

جدول ۱۳. مقایسه میانگین متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه آزمایش و گروه گواه در پیش‌آزمون

متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری
حق‌مداری	آزمایش	۲۳/۱۶	۶/۱۸	۷/۳۹	۰/۰۳
	گواه	۳۷/۰۷	۵/۷۸		
پذیرفتن مسئولیت	آزمایش	۱۰/۳۹	۳/۰۰	۵/۴۳	۰/۰۲
	گواه	۱۶/۷۹	۳/۲۲		

متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
کمک به دیگران	آزمایش	۱۶/۳۹	۴/۷۳	۸/۲۲	۰/۰۰
	گواه	۲۶/۶۹	۳/۶۳		
راستگویی	آزمایش	۱۳/۲۱	۳/۹۵	۴/۹۴	۰/۰۱
	گواه	۲۰/۸۳	۳/۵۵		
مسئولیت‌پذیری	آزمایش	۷/۷۲	۲/۴۷	۳/۱۶	۰/۰۰
	گواه	۱۲/۰۷	۲/۴۵		
وفای به عهد	آزمایش	۱۶/۱۳	۴/۶۵	۸/۵۳	۰/۰۰
	گواه	۲۶/۳۹	۳/۵۶		
بخشش دیگران	آزمایش	۱۴/۳۰	۳/۳۸	۳/۹۱	۰/۰۴
	گواه	۲۰/۴۹	۳/۲۳		

همان‌طور که داده‌های جدول ۱۳ نشان می‌دهد، میانگین تمامی متغیرهای مورد بررسی بین دو گروه آزمایش و گواه دارای اختلاف معناداری است. مقایسه میانگین‌ها در تمامی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که میانگین گروه گواه بیشتر از گروه آزمایش در پیش‌آزمون بوده است.

۴-۴. مقایسه میانگین متغیرهای مورد مطالعه در گروه آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

جدول ۱۷. مقایسه میانگین متغیرهای مورد مطالعه در گروه آزمایش در پیش و پس‌آزمون

متغیرها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
حق‌مداری	پیش‌آزمون	۲۳/۱۶	۶/۱۸	۹/۵۴	۰/۰۰
	پس‌آزمون	۴۲/۱۸	۲/۸۶		
پذیرفتن مسئولیت	پیش‌آزمون	۱۰/۳۹	۳/۰۰	۶/۴۸	۰/۰۰
	پس‌آزمون	۱۸/۸۸	۱/۵۷		
کمک به دیگران	پیش‌آزمون	۱۶/۳۹	۴/۷۳	۵/۹۳	۰/۰۲
	پس‌آزمون	۲۸/۸۴	۰/۱۷۴		
راستگویی	پیش‌آزمون	۱۳/۲۱	۳/۹۵	۴/۰۱	۰/۰۳
	پس‌آزمون	۲۳/۴۱	۲/۱۲		
مسئولیت‌پذیری	پیش‌آزمون	۷/۷۲	۲/۴۷	۸/۴۶	۰/۰۰
	پس‌آزمون	۱۳/۹۹	۱/۲۷		
وفای به عهد	پیش‌آزمون	۱۶/۱۳	۴/۶۵	۵/۴۲	۰/۰۰
	پس‌آزمون	۲۸/۵۸	۲/۰۶		
بخشش دیگران	پیش‌آزمون	۱۴/۳۰	۳/۳۸	۰/۹۱۴	۰/۳۶
	پس‌آزمون	۲۳/۴۳	۱/۸۵		

همان‌طور که در جدول ۱۷ مشاهده می‌شود میانگین تمامی متغیرهای مورد بررسی به‌جز متغیر بخشش دیگران، در گروه آزمایش در پیش و پس‌آزمون، دارای اختلاف معناداری است. به‌طوری‌که

گروه آزمایش در پس آزمون در ارائه پاسخ صحیح و مورد انتظار درباره همه مؤلفه‌های اخلاقی بهتر از گروه آزمایش در پیش آزمون عمل کرده است.

۴-۵. مقایسه میانگین متغیرهای مورد مطالعه بین دو گروه گواه و گروه آزمایش در پس آزمون

جدول ۱۸. مقایسه میانگین متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه گواه و گروه آزمایش در پس آزمون

متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار	سطح معناداری
حق‌مداری	گواه	۳۷/۰۷	۵/۷۸	۸/۳۶	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۴۲/۱۸	۲/۸۶		
پذیرفتن مسئولیت	گواه	۱۶/۷۹	۳/۲۲	۶/۱۵	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۱۸/۸۸	۱/۵۷		
کمک به دیگران	گواه	۲۶/۶۹	۳/۶۳	۵/۵۹	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۲۸/۸۴	۰/۱۷۴		
راستگویی	گواه	۲۰/۸۳	۳/۵۵	۶/۵۹	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۲۳/۴۱	۲/۱۲		
مسئولیت‌پذیری	گواه	۱۲/۰۷	۲/۴۵	۴/۳۵	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۱۳/۹۹	۱/۲۷		
وفای به عهد	گواه	۲۶/۳۹	۳/۵۶	۷/۸۱	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۲۸/۵۸	۲/۰۶		
بخشش دیگران	گواه	۲۰/۴۹	۳/۲۳	۹/۷۶	۰/۰۰
	آزمایش پس آزمون	۲۳/۴۳	۱/۸۵		

همان‌طور که در جدول ۱۸ مشاهده می‌شود میانگین تمامی متغیرهای مورد بررسی بین دو گروه آزمایش در پس آزمون و گروه گواه، دارای اختلاف معناداری می‌باشد و این نشانگر آن است که استفاده از داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام در قالب برنامه فلسفه برای کودکان و اجتماع پژوهشی و گفت‌وگو و پرسش و پاسخ دانش‌آموزان در ضمن برنامه در رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر داشته و شرایط مطلوبی از رشد را حاصل نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بخش عظیمی از شخصیت اخلاقی انسان‌ها در دوران کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین تقویت بنیه اخلاقی فرد در دوران کودکی اهمیت ویژه‌ای دارد. رشد اخلاقی را شاید بتوان حلقه مفقوده بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری افراد در سنین بالاتر دانست. چیزی که در دوران کودکی حاصل می‌شود. این امر در ارتباط با دختران نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا دختران در آینده نقش تربیت نسل را برعهده

دارند و سرمایه‌گذاری روی این قشر اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با هدف استفاده از داستان‌های برگرفته از فرهنگ اسلامی و چهره‌های مشهور در این زمینه برای تأمین بخشی از محتوای برنامه فلسفه برای کودکان و نیز تلاش در جهت نشان دادن میزان تأثیر داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه (علیها السلام) بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر پایه ششم دبستان در شهرستان شهر بابک انجام شد.

نتایج نشان داد که استفاده از داستان‌های مربوط به سیره حضرت فاطمه (علیها السلام) در برنامه فلسفه برای کودکان در قالب اجتماع پژوهشی در افزایش رشد اخلاقی دانش‌آموزان در تمامی مؤلفه‌های اخلاقی مورد نظر در این پژوهش مؤثر بوده و دارای اختلاف معنادار است؛ به طوری که رشد اخلاقی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در گروه آزمایش، بعد از اجرای داستان‌ها به نسبت دانش‌آموزان گروه گواه افزایش یافت. این نکته نشان‌دهنده آن است که با استفاده از داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه (علیها السلام) در برنامه فلسفه برای کودکان می‌توان سطح رشد اخلاقی را افزایش داد و این نشان‌دهنده موفقیت این روش و محتوای مورد نظر است.

با نظر به اهداف و فرضیات پژوهش و با انجام پیش‌آزمون و پس‌آزمون، داده‌های پژوهش نشانگر آن است که می‌توان با استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان و بهره‌گیری از روش اجتماع پژوهشی از طریق گفت‌وگو و پرسش و پاسخ به تعمیق آموزه‌های اخلاقی و به دنبال آن رشد اخلاقی دانش‌آموزان دست یافت. در همین راستا مقایسه کلی میانگین مؤلفه‌های اخلاقی مورد مطالعه بین دو گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون نشان داد که اختلاف معناداری در میانگین نمرات اختصاص یافته به پاسخ‌های مورد انتظار در تمامی مؤلفه‌های اخلاقی به جز مؤلفه «بخشش دیگران» وجود داشت.

در این مورد میانگین نمرات اعضای گروه گواه در پیش‌آزمون از گروه آزمایش بیشتر بود. شاید بتوان این اختلاف را به استفاده قبلی دانش‌آموزان گروه گواه از مدارس قرآنی نسبت داد که طبعاً دارای بار اخلاقی بوده است. با وجود این، میانگین نمره‌های دانش‌آموزان گروه آزمایش در مؤلفه‌های اخلاقی مورد نظر (به جز متغیر «بخشش دیگران»)، بعد از ارائه داستان‌های برگرفته از سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)، از میانگین نمره‌های دانش‌آموزان گروه گواه فراتر رفت. به این معنا که در میان اعضای گروه آزمایش، نتایج میانگین تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی به جز متغیر «بخشش دیگران»، دارای اختلاف معناداری بود.

در این باره با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد، بخشش دیگران، امری است که به طور فطری برای کودکان پسندیده است و شاید یکی از دلایل همین امر باشد که باعث شده، بین گروه گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون اختلاف به سطح معناداری نرسد. در این خصوص بهتر است این مؤلفه با روش‌های دیگر مثل مصاحبه مورد بررسی قرار گیرد تا به طور دقیق‌تری بتوان این مؤلفه را

بررسی کرد. بدین‌سان مقایسه میانگین مؤلفه‌های مورد مطالعه در گروه آزمایش و گواه در پس‌آزمون نشان داد که میانگین تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی بین دو گروه آزمایش و گروه گواه در پس‌آزمون، به جز مؤلفه بخشش دیگران، دارای اختلاف معناداری بوده است. این امر نشانگر آن است که داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام در برنامه فلسفه برای کودکان با بهره‌گیری از اجتماع پژوهشی که با گفت‌وگو در قالب پرسش و پاسخ همراه است، در رشد اخلاقی دانش‌آموزان جامعه مورد نظر تأثیر دارد.

تمامی مؤلفه‌ها به جز مؤلفه بخشش دیگران، در گروه آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون اختلاف معنادار داشتند. در این راستا به نظر می‌رسد، بخشش دیگران، امری است که به‌طور فطری برای کودکان پسندیده است و در بعضی موارد بخشیدن دیگران امری است که با احساسات افراد به‌طور مستقیم ارتباط دارد. از این‌رو احتمالاً یکی از دلایلی که باعث شده بین گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون اختلاف به سطح معناداری نرسد، همین مسئله باشد؛ از این‌رو بهتر است این مؤلفه با روش‌های دیگر هم مورد بررسی قرار گیرد تا به‌طور دقیق‌تر بتوان میزان رشد دانش‌آموزان در این مؤلفه را بررسی کرد.

برای تبیین بهتر نتایج پژوهش می‌توان گفت، زمانی که با کودکان کار می‌کنیم، یکی از راه‌های مؤثری که به آنها کمک می‌کند تا با شخصیت‌های داستان درگیر شوند این است که آنها را از لحاظ عاطفی و ذهنی در زندگی شخصیت‌های داستان درگیر کنیم که فرایند پرسش و پاسخ را انجام می‌دهند. نحوه مشارکت دادن کودکان می‌تواند با همانندسازی، صورت گیرد. این امر به‌ویژه در مورد مسائل اخلاقی می‌تواند راهگشا باشد؛ زیرا در امور اخلاقی همواره با یکسری فضائل و رذایل سروکار داریم و اگر ما به کودک کمک کنیم که آنها را در دنیای خودش و عملکرد خودش پیدا کند و با خودش تطبیق دهد، احساس نزدیکی با شخصیت‌های داستان می‌کند و در نتیجه می‌تواند در زندگی روزمره‌اش به کار ببرد. این مورد را پژوهشگر در چندین مورد بعد از جلسات اجتماع پژوهشی و تقریر داستان در عملکرد دانش‌آموزان مشاهده کرد.

پژوهش در نوع خود حاوی محدودیت‌هایی در عدم کنترل کامل برخی از متغیرها مانند خستگی و اضطراب ناشی از امتحانات درسی به‌ویژه رقابت در مسیر موفقیت در آزمون مدرسه نمونه دولتی و نیز محدود بودن جامعه به نمونه دختران بود. پیشنهاد می‌شود در محتوای درسی آموزش و پرورش، افزون بر داستان‌های فکری برگرفته از سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از داستان‌های سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز استفاده شود. همچنین مریبان فلسفه برای کودکان می‌توانند خلأ ناشی از نبود داستان‌های فکری بومی را از میان داستان‌های بازنویسی شده از سیره حضرت فاطمه علیها السلام جبران نمایند.

با توجه به نتایج این پژوهش پیش‌بینی می‌شود به‌کارگیری این داستان‌ها در قالب برنامه فلسفه برای کودکان و در قالب اجتماع پژوهشی بتواند به رشد اخلاقی کودکان کمک نماید. نمونه مورد بررسی در این پژوهش صرفاً دختران بودند، پیشنهاد می‌شود پژوهشی نیز انجام گیرد که در آن آزمودنی‌ها پسر باشند و نتایج با هم مقایسه شود. این پژوهش در شهرستان شهربابک انجام شده است. پیشنهاد می‌شود در دیگر شهرستان‌ها و به‌ویژه شهرهای بزرگتر نیز انجام و نتایج پژوهش‌ها به صورت منطقه‌ای نیز با هم مقایسه شود. این پژوهش در فضای کلاس‌های رسمی مدارس و در ساعاتی انجام شده است که دانش‌آموزان در مدارس حضور داشتند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش در فضاهای غیررسمی آموزشی مانند مساجد و کلاس‌های فوق‌برنامه و اوقات فراغت دانش‌آموزان نیز انجام و نتایج مقایسه شود.

در این پژوهش از روش کمی و با استفاده از پرسش‌نامه بسته پاسخ استفاده شد. می‌توان در پژوهش‌های بعدی افزون بر این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه باز پاسخ مصاحبه نیز استفاده نموده و از داده‌های حاصل از روش و تحلیل کیفی را نیز انعکاس داد. در مقایسه میان این پژوهش و پژوهش‌های قبلی می‌توان گفت پژوهش‌های قبلی عموماً از داستان‌های برنامه فلسفه برای کودکان که پیشنهادی مؤسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان است (IAPC) استفاده کرده‌اند؛ درحالی‌که محتوای داستان‌های استفاده شده با فرهنگ جامعه ایران چندان سازگار نبوده است، ازاین‌رو در این پژوهش از داستان‌های بومی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی استفاده شد. بنابراین نتایج این پژوهش منطقی‌تر می‌تواند با نتایج پژوهش‌های مورد نظر تطبیق داده شود. باوجوداین، پژوهش‌هایی هستند که با اهدافی تا حدودی مشابه با این پژوهش و با رویکردی بومی در بهره‌گیری از داستان‌های بومی در قالب برنامه فلسفه برای کودکان انجام شده‌اند که نتایج مشابهی از تأثیر داستان‌های بومی را نشان می‌دهند. در این راستا می‌توان به پژوهش ماهرزاده، ستاری و ملکی (۱۳۹۱) اشاره کرد که در آن داستان‌های کلیده و دمنه در قالب برنامه فلسفه برای کودکان به کار رفته و تأثیر برنامه در ایجاد مهارت‌های پرسشگری، استدلال و تفکر انتقادی نشان داده شده است.

همچنین پژوهش نویدیان و همکاران (۱۳۹۸) نشانگر آن است که بهره‌گیری از داستان‌های بومی در قالب برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند در رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر معناداری داشته است. باوجوداین، حتی نتایج پژوهش یادشده نیز نمی‌تواند با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود؛ زیرا داستان‌های بومی به کار گرفته شده در پژوهش یادشده با داستان‌های به کار گرفته شده در این پژوهش متفاوت است؛ ازاین‌رو می‌توان گفت پژوهش حاضر از این حیث بی‌شبهت به دیگر پژوهش‌هاست. در این صورت پیشنهاد پژوهشگران به استفاده از داستان‌های مورد استفاده در این پژوهش در شرایط و موقعیت‌های دیگر از جمله در میان پسران، پایه‌ها و مقاطع تحصیلی دیگر و بهره‌گیری در دیگر مناطق است.

منابع

۱. باقری، خسرو و مراد یاری‌دهنوی (۱۳۸۸)، «تبیین و بررسی جایگاه تاریخ فلسفه در برنامه آموزش فلسفه به کودکان با تأکید بر دیدگاه هگل»، فصلنامه فرهنگ، ش ۶۹، ص ۱۱-۳۸.
۲. بدری گرگری، رحیم و زهرا واحی (۱۳۹۴)، «تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر»، کودک و تفکر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۶، ص ۱-۱۷.
۳. جلیلیان، سهیلا؛ فریبا جلیلیان و احسان عظیم‌پور (۱۳۹۵)، «اثر بخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و قضاوت»، پژوهش‌های تربیتی، ش ۳۲-۱۰۱-۸۰.
۴. زندی‌پور، طیبیه و معصومه ژیان‌باقری (۱۳۸۵)، «نقش داستان درمانی به روش مشاوره گروهی بر رشد استدلال اخلاقی دختران نوجوان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، (۳۰)، ص ۷۸-۱۰۴.
۵. ستاری، علی. (۱۳۹۳). نقد مبانی فلسفی فلسفه برای کودکان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. ستاری، علی (۱۳۹۵)، «رویکردهای مواجهه با برنامه درسی فلسفه برای کودکان و معرفی راهکار مناسب برای گاربیست آن در ایران»، نوآوری‌های آموزشی، ۱۵ (۵۸)، ص ۵۰-۷۰.
۷. ستاری، علی (۱۳۹۱)، «نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از منظر حکمت متعالیه»، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۳)، ص ۸۳-۱۰۶.
۸. شعاع‌کاظمی، مهرانگیز؛ آتنا میرمحمدحسین اوشانی و فرزانه نقیب (۱۳۹۴)؛ «رابطه آموزه‌های دین والدین و رشد اخلاقی کودکان دبستانی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۲۹)، ص ۱۰۷-۱۱۹.
۹. شهیدی، جعفر (۱۳۹۴)، زندگانی حضرت فاطمه علیها‌السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۱. صف‌آرا، مریم؛ زهره طریقی‌احسن و اصغر اخوی (۱۳۹۷)، «نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان»، مشکوه، (۱۲۹)، ص ۹۲-۱۱۲.
۱۲. صیامیان‌گرچی، زهیر و زهرا سمیعی (۱۳۹۵)، «جایگاه فاطمه علیها‌السلام در فرهنگ شیعیان، با تکیه بر سنخ‌شناسی احادیث و روایات متون شیعی قرن چهارم تا ششم، ۲ (۳۳)، ص ۷-۳۴.

۱۳. عبدالله‌پور، رویا؛ ذبیح پیرانی، محمدرضا سرمدی و محمد سیفی (۱۳۸۹)، «تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان (قبک) بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷ (۴۳)، ص ۱۱۳-۱۴۳.
۱۴. کارنوی، مارتین (۱۳۸۵)، مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، جهانی شدن و اصلاحات آموزشی، آنچه که برنامه‌ریزان آموزشی باید بدانند، ترجمه علی ستاری، تهران: مدرسه.
۱۵. کرین، هانری (۱۳۹۵)، ارض ملکوت، ترجمه ان‌شاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحارالانوار، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. ماهروزاده، طیبه، علی ستاری، زهرا ملک‌ی. (۱۳۹۸). تأثیر داستان‌های کلیله و دمنه بر مهارت‌های تفکر انتقادی، استدلال و پرسشگری با استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان (p4c)، ۱۴ (۲۸)، ۹۵-۱۱۴.
۱۸. نظام اسلامی، فهیمه (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای کیفی داستان‌های گلستان سعدی به‌منظور استفاده در برنامه‌های فلسفه برای کودکان، کرج: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
۱۹. نویدیان، انور؛ شهرام واحدی، اسکندر فتحی‌آذر و رحیم بدری گرگری (۱۳۹۸)، «تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی»، تدریس پژوهی، ۷ (۳)، ص ۵۴-۶۹.
۲۰. هاینز، فلیسیتی (۱۳۷۰)، «به سوی یک باستان‌شناسی در تفکر نقاد»، در دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، باقری، خسرو (ص ۲۴۱-۲۸۰) تهران: انتشارات نقش هستی.
21. Amir-Moezzi, M. A., (1999), "Fāṭema i. In History and Shi'ite Hagiography". Encyclopædia Iranica.
22. Cagla, G., (2011), "Philosophy in the Early Years", International Conference on Education & Educational Psychology (ICEEPSY 2010), *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 12, 501-511.
23. Daniel, M. F., (2000), "Learning to think and to speak: An Account of an Experiment Involving Children Aged 3 to 5 in France and Quebec", *Thinking*, 15(3), 17-25.
24. Gregory, M., (2009), "Ethics Education and the Practice of Wisdom", *Teaching Ethics*, 9(2), 105-130.
25. Fisher, R., (1998), *Teaching Thinking, Philosophical Inquiry in the Classroom*, London: Cassle Press.

26. Lipman, M., (1980), *Philosophy in the Classroom*, U.S.A: Tample University Press.
27. Klemm, V., (2016), “Fāṭima bt. Muḥammad”, *Encyclopaedia of Islam* (3rd ed.). Leiden: E. J. Brill.
28. Sanjana, M. & Whitebread, D., (2004), “Philosophy for children and Moral Development in the Indian context”, Cambrige University, Retrived in: https://www.researchgate.net/publication/242193978_Philosophy_for_Children_and_moral_development_in_the_Indian_context.
29. Pritchard, M. S., (2000), “Moral Philosophy for Children and Character Education”, *Applied Philosophy*, 14(1), 13–26.
30. Zulkifli, H. & Hashim, R., (2020), “Philosophy for Children (P4C) in Improving Critical Thinking in a Secondary Moral Education Class”, *Learning, Teaching and Educational Research*, 19(2), 29-45.